

## نگاهی به تاریخ ادبیات ارمنی

سخن راندن در باره سرچشمه‌های ادبی ارمنی با توجه به منابع غنی بجا مانده در درازنای تاریخ کاری است دلنشین و نه چندان دشوار. قوم ارمنی و فرهنگ دیرینه‌اش از سوئی بسیاری گشاده‌دستی‌ها و از دیگر سو بی‌مهری‌های بی‌شمار از تاریخ بخود دیده است.

قوم ارمنی از همان سپیده دم تاریخ یکی از مردمان پیشرفته دنیای باستان بوده است. اقوام ساکن در فلات ارمنستان از هزاره دوم پیش از میلاد به تشکیل اتحادیه‌های قومی - حکومتی مبادرت ورزیدند و با تشکیل دولت اورارتو در سده نهم پ. م. استواری هر چه بیشتری یافته در کنار آشور، ابران هخامنشی و دولت سلوکی گذران زندگی کرده در اواخر هزاره نخست پ. م. به همت خاندان آرتاشسیان به یکی از نیرومندترین اقوام آسیای مقدم تبدیل شدند. قوم ارمنی از نظر پیکارگری و سیاهیگری، دانش، شهرسازی، کشاورزی، هنر و پیشه‌وری شهره خاص و عام بوده است.

موقعیت جغرافیایی ارمنستان و قرار داشتن آن بر سر چهار راه بین‌المللی چهار سوی جهان باعث ایجاد ارتباط و پیوند ارمنیان با مردمان و کشورهای همجوار و دور گردیده است. بویژه در ارتباط با روم و ایران آشنایی بسیار خوبی با فرهنگ آنان داشته به مقتضای زمان با زبان‌های آرامی، پارسی، یونانی دم‌خور بوده‌اند. در چند سده پیش از میلاد ادبیات ارمنی در سطح بالائی از ترقی قرار داشت. بنا به گواهی منابع ارمنی و خارجی، دیوان‌های دربار و آرشپوهای معابد از نظر نوشته‌های تاریخی، تذکره‌نویسی، علمی، دینی و هنرو اندیشه فلسفی غنی بوده ادبیات شفاهی ارمنی، ادبیات هنری در فراز و نشیبهای تاریخ به درجه عالی خود رسیده‌اند. امروز با اندوه باید این نکته را یاد نمود که در اثر وقایع ناگسوز تاریخی و بویژه پس از استقرار مسیحیت در اثر برخی تندروی‌ها بسیاری از آثار فرهنگی باستان به باد نیستی سپرده شده تنها نمونه‌های ناچیزی تا زمان ما باقی مانده است (بازوهای تیگران‌گرد، بقایای آرتاشاد، دربار و گرمابه و معبد گارنی، برخی آثار کنده - کاری و هنرهای کاربردی، تعدادی سکه و تقریبا "هیچ چیز دیگر). از آثار مهم باقیمانده باید از معبد آردینی (Ardini) (موساسیر) و مهمتر از آن حدود ۴۰۰ سنگ‌نبشته، بیابن (biāy nā) یاد کرد که در واقع تاریخ سخن مکتوب در فلات ارمنستان با آنها آغاز می‌گردد، لذا اطلاعات ما در دوران پادشده اساسا بر پایه نوشته‌های نویسندگان ارمنی و خارجی است.

قدیمی‌ترین نویسنده ارمنی بنا به منابع موجود و آنگونه که

۱- تاریخ ادبیات کهن ارمنی - پروفیسور م. م. مکریان، ایروان، ۱۹۷۶،

موسس خورناتسی<sup>۱</sup> (تاریخنگار سده پنجم) یاد کرده است، و روی سر  
فرزند آرتاشس اول بنیانگذار سلسله پادشاهی آرتاشسبان می باشد.  
خورناتسی او را "مردی دانا و شاعر" می نامد لیکن متأسفانه  
هیچ نمونه‌ای از نوشته‌هایش را ارائه نمی دهد.

پس از وروبر بعنوان نویسنده ارمنی ما با نام آرتاوازد دوم  
پادشاه ارمنستان (۵۵-۳۴ پ.م.)<sup>۲</sup> و فرزند تیگران بزرگد برمی خوریم  
او شاعر، نماینده نامه نویس و تاریخنگار بود و شهرتیش تا روم  
نیز رسیده بود و یلوتارخ (سده دوم م.) در اثر خود از او و کارهایش  
یاد نموده است.<sup>۳</sup> از نویسندگان معابد باید الیمپیوس تاریخنگار راکه  
مغ پرستشگاه معروف آرمازد در آبی داراناهی بود، نام سرد  
وی تاریخ مفصل آرتاشس اول را براساس آگاهی های فولکلوریک  
نگاشته که بارداسان (یا باردیمان، بردیمان، ابن دیمان) مولف  
و شاعر معروف آشوری آن را در سده سوم ادامه داده است.

کتاب تاریخ ماراباس کاتینا یا مسورناتسی<sup>۴</sup> (اصلاً آشوری) در  
ادبیات تاریخی ارمنی ارزش بسیار زیادی دارد و یکی از منابع مهم  
برای موسی خورناتسی بشمار می رود. چنانکه مشاهده گردید  
نویسندگان در زمان باستان بطور عمده از دو قشر برمی خاستند یکی

۲- کتاب "تاریخ ارمنیان" موسس خورناتسی، کتاب دوم فصل ۵۳  
ترجمه ۰۱ گرمانیك، تهران ۱۳۶۱ (چاپ نشده)

۳- 3- vartuyr

۴- 4 - mār-ābās-kātinā (mādsurnātsi)

۵- تاریخ ارمنستان - جلد اول، گروه نویسندگان، ترجمه ۰۱ گرمانیك  
تهران ۱۳۶۰ صفحه ۱۲۲

در بار دیگر سعید . لیکن زمینه کاری اگر تنها این چند نام بر ما شناخته شده‌اند بدین معنی نیست که اندیشمندان دیگری وجود نداشته‌اند و منبع اصلی مورد استفاده آنان همانا فرهنگ مردمی بود . شبهه اندیشه ادیبان ، نویسندگان و شاعران دوران باستان را تنها از چند گواهی نویسندگان دوران های بعدی چون موسس خورناتسی و دیگران می توان دریافت . خود خورناتسی قطعاتی را که در ناحیه گوشتن روان بود برای ما نگاهداشته است که تحت نام سرودهای گوشتن قرار دارند .

قطعات گوشتن برگزیده‌ای از حماسه سرائی های دوران های گوناگون می باشد . این سرودها با محتوای طبیعی و افسانه‌ای از اعمال و کردار و زندگی پادشاهان سخن می گویند . اینها در واقع قطعات ادبی با محتوای به هم آمیخته واقعیت ها و افسانه‌ها می باشند که در نهایت واقعیت هاشی را در هسته خود دارند . منبع اصلی خورناتسی ادبیات شفاهی و فولکلور مردمی بود منبعی پس معتبر که تا امروز نیز بسیاری از ارزشهای فرهنگی را سینه به سینه از طریق اندیشه و زبان به دوران حاضر رسانده است .

دوران پیشرفته هلنیسم و سالیهای حکومت آرتاشسیان ( سده ۲ پ.م . تا سده نخست میلادی ) را باید دوران تاریخی مربوط به سرودهای گوشتن دانست و این دورانی بود که پادشاه در راس کشور و دارای امتیازهای نامحدود بود . تمامی سرزمین های خوب و حاصلخیز و نهرهای سیاه در اختیار وی قرار داشتند و خاندان او مهمترین مناصب را صاحب بود تا جایی که پرستش وی امری جبری و طبیعی

به نظر می‌رسید و این امر در تحولات فرهنگی تاثیر بسزایی داشت و بلك واقعت تاريخى نيز در اين تأثير گذارى بسيار دخيل بود و آن اتحاد كامل ارضى و تشكيل حكومتى نپرومند از نظر سياسى ، نظامى و اقتصادى به همت و كوشش خاندان آرتاشسيان ( يويژه آرتاشس اول ۱۸۹ - ۱۶۰ ، تيگران بزرگ ۹۵ - ۵۵ و آرتاوازد دوم ۵۵ - ۲۴ پ.م. ) بود البته اين كار از دوران هاى پيش آغاز گرديده و بدست اينان به ثمر نشسته بود . سردمداران اين خاندان خود از پيروان و نمايندگان سرشناس فرهنگ هلنى بودند و طبيعى بود كه فرهنگ يونان در زمسان آنان در ارمنستان رونق و پيشرفت شايبانى داشته باشد .

در دوران پاد شده اندیشه‌هاى ملي - دينى آن زمان با رنگ و ظاهر يونانى پيشرفت نمود و فولكلوره‌نر و ادبيات مردمى گسترش يافت . شاعران مردمى كه به خنياگرى نيز مشغول بودند و به عاشق باگوسان شهرت داشتند به ارائه هنر و ادبيات شفاهى پرداختند . و درچنين شرايط تاريخى بود كه سرودهاى گوغتن پيدايش يافتند .

ناگفته نماند كه خورناتسى در مورد افسانه‌هاى بسيار قديمى ارمنى چون افسانه هايلك و بيل ( يابعل خداى آشور - بابل ) ، افسانه آرا و شاميرام و غيره مطالبى را به ما رسانده است كه داراى اهميت و ارزش ادبى بسيار بالائى است .

بطور كلى قطعات ادبى كه خورناتسى در تاريخ خود ذكر كرده و آنها را از فراموشى نجات داده است به سرودهاى گوغتن مشهور هستند . ليكن نبايد چنين نتيجه گرفت كه اين سرودها كلا " در ناحيه گوغتن پديد آمده‌اند اينها قطعات گوناگونى هستند كه از نظر محتوا

۷- سرچشمه‌هاى شعر ارمنى - نوشته لئون ميريجانيان - ابروان ۱۹۷۷

دارای پسوندهای استواری با یکدیگر هستند .  
از جمله این سرودها ، سرود زایش واهانگن خدای رعد و بصرق  
و جنگ می باشد که بسیار معروف است :

آسمان و زمین آشفته بودند ،  
دریای سرخ نیز آشفته بود  
و نی های سرخ گون  
در دریا آشفته بودند .  
از درون نی ها دودی برمی خاست ،  
از دهان آنها ناری بلند می شد ،  
و کودکی زرگون  
از قلب آتش می جهید بیرون  
موهایش آتشین بودند ،  
ریشش شعله ور بود .  
و دیدگانش چون خورشید بودند<sup>۸</sup>

قطعاتی دیگر در باره " وارنگس کودك " ( خورناتسی ، کتاب  
دوم ، فصل ۶۵ ) ، " آرتاشس - سائینیک - آرتاوازد ( خورناتسی ،  
کتاب اول - فصل ۳۰ ) توسط خورناتسی نگهداری شده است که  
مطالعه و بررسی دقیق آنها اظهار نظر در باره اندیشه‌های ادبی  
دوران باستان را آسان تر می سازد .

۸- تاریخ ارمنستان ، گروه نویسندگان ، ترجمه ۰۱ گرمانیک ، جلد اول  
ص ۱۱۶- ۱۱۷ نیز تاریخ خورناتسی کتاب اول فصل ۲۱

- پس از اینکه مسروپ ماشوتوس بسال ۲۰۵ م. حروف فعلی ارمنی را پدید آورد ادبیات ارمنی وارد مرحله جدیدی شد. کتاب های بشماری در زمینه های گوناگون نگاشته و یا ترجمه شدند. تاریخ نگاران<sup>۹</sup> چون کوریون<sup>۹</sup> آگاتانگوس<sup>۱۰</sup>، پاستوس<sup>۱۱</sup>، موسس خورناتسی<sup>۱۲</sup>، یغیشه<sup>۱۳</sup>، غازار پارتسی<sup>۱۴</sup> آثار خود را که عموماً " تحت عنوان " تاریخ ارمنیان " قرار داشتند، برشته تحریر در آوردند، یزنیك كوغياتسی<sup>۱۵</sup> و داویت آنهاغست<sup>۱۶</sup> در زمینه فلسفه کتابهایی نوشتند. ادبیات تاریخ نگاری در سده ششم تقریباً " جای خود را به ادبیات مذهبی - فلسفی داد. در سده های ۹-۶ م. بعثت نابسامانی های سیاسی و اجتماعی ( استقرار مرزبانان غیر ارمنی در ارمنستان، تقسیم کشور میان دو ابرقدرت، تاخت و تاز تازیان) شرایط بسیار نامناسب برای رونق ادبی پدید آمد.

آثار نویسندگانی چون سبگوس<sup>۱۷</sup> ( سده هفتم )، غوند<sup>۱۸</sup> ( سده هشتم ) در زمینه تاریخ نگاری بود. ادبیات هنری ارمنی، بخصوص غزلسرایسی

9-k'oryun

10-āgātāngeḶos

11-pāvstos

12-movses xorenātsi

13-yeḶiṣe

14-Ḷāzār pārp'etsi

15-yezni k' oḶbatsi

16-dāvit ānhaḶt

17-sebeos

18-Ḷevond

در سده‌های ۱۰-۱۴ م. به درجه والایی از ترقی رسید. شعرای نامداری چون گریگور نارگاتسی<sup>۱۹</sup>، نرسی سنورهالی<sup>۲۰</sup>، کستاندین یرزنگاتسی<sup>۲۱</sup>، فربک<sup>۲۲</sup>، هوانس تلکورانتسی<sup>۲۳</sup> و غیره از چهره‌های تابناک ادبیات این دوران هستند. " سوگنامه " نارگاتسی<sup>۲۴</sup>، " سوگنامه پدسیا " نوشته سنورهالی و شعرهای ضد ظلم و ستم فربک بسیار مشهور می باشند و هر يك از شاهکارهای ادبی آن دوران بوده هنوز هم پس از هزار سال ارزش خود را بخوبی حفظ نموده‌اند .

در شرایطی که فشارهای سیاسی و اقتصادی افزون تر می گشت و تضادهای اجتماعی عمیق تر ، شیوه ادبی قصص و حکایات رواج بسیاری پیدا کرد. در حکایات تکبر و حرص و آز ایشخان ها ( زمین داران سده‌های میانه ) ، روحانی نمایان و خصومیات منفی توانمندان سخت مورد انتقاد و استهزا قرار می گرفت . مخیتار گوین<sup>۲۵</sup> و وارتن آیکگتسی<sup>۲۶</sup> ( سده ۱۳ ) پیشروان این سبک بودند . آنان با استفاده از امثال و حکم و روایات مردمی و منابع دیگر از اینها، بشر می خواستند تا با رفتار انسانی و نیز سلوک درست با زیر دستیان درجه انسانی خود را بالاتر برند .

19-grigor nārek'ātsi

20-nerses šnorhāli

21-k'ostāndin yerzkn'ātsi

22-frik'

23-hovānes tāk'urāntsi

۲۴- " سوگنامه تارك " - ترجمه آزاد ماتیان با مقدمه ا. کرمانیک ،

25-māxitār goš

تهران ۱۳۶۰

26-vārtān āygek'-tsi



در سده‌های بعد شعر ارمنی وارد مراحل جدیدتری شد. اشعار فلسفی، اجتماعی، عاشقانه به کوشش مگردیچ نقاش<sup>۲۷</sup> (سده ۱۵) و ناهایت کوچاک<sup>۲۸</sup> (سده ۱۶)، ناقاش هوناتان<sup>۲۹</sup> (سده ۱۷)، اشعار پرنیوگ سایات نووا<sup>۳۰</sup> (سده ۱۸) شاعری که به زبانهای ارمنی، گرجی و آذری شعر نوشت و محبوب هر سه قوم گردید، رونق و پیشرفت شایان ادبی در خود داشت.

در سده نوزدهم کلاسیسیم‌جای خود را به جریانهای جدید ادبی به رومانیتسم و رئالیسم داد. انسان معاصر با جهان اندیشه‌ها و خوشی‌ها و نگرانی‌ها و احساساتش موضوع اصلی ادبیات گردید. در همین سده در ادبیات شیوه قدیمی نگارش، گرابار<sup>۳۱</sup>، جای خود را به آشخارابار نو داد که برای مردم عادی نیز مفهوم بود. سردمداران این جریان ادبی خاچاتور آبوویان<sup>۳۲</sup> (۱۸۰۹-۱۸۴۸) و میکائیل نالباندیان (۱۸۳۹-۱۸۶۶) و دیگران بودند و راه آنان را راپاشل یاتکانیان، رافی، گابریل سوندوکیان، هاکوب بارونیان، سرچ پروشیان، هوانس هوانسیان، هوانس تومانیان و آوتیک ایساهاکیان

27-mək'ərt'ič nāḷās

28-nāhāp'et' kučāk'

29-nāḷās hovnātān

30-sāyāt novā

31-grābār

32-āšxārābār

33-xāčāt'ur āboviān

34-mikāel nālbāndiān

ادامه داده و ادبیات ارمنی را به امروز خود رساندند.<sup>۱۰</sup>  
بررسی دقیق شبوه‌های ادبی ارمنی و نمایندگان سبک‌های  
مختلف و بررسی آثار و احوال هر یک خود مقوله‌ای است جدا و فرصت  
و زمانی دیگر می‌خواهد آنچه که بیان شد مروری بسیار تند بر چندین  
قرن ادبیات ارمنی و هدف از آن آشنائی جزئی خوانندگان نوشته‌های  
وارثان آباگا با ادبیات ارمنی بود تا تصور و تجسم آنان را در سبب  
این ادبیات کمی آسان‌تر و امکان‌پذیرتر نماید.<sup>۱۰</sup>

۱۰. کرمانیک

۱۳۶۷ تهران